

توضیح: آن چه در زیر ملاحظه می کنید متن پیاده شده نوار گفتگو بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (سال 1354) می باشد که از روی نوارهای صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفقای که در امر تبدیل گفتاری این مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.

چریکهای فدائی خلق ایران - دسامبر 2010

\* \* \* \* \*

### (نوار شماره چهار - قسمت دوم)

**حمید اشرف:** و در مجموع، این مسئله حالا، مبارزه بین مارکسیسم با ایدئولوژی خالص مذهبی

**تقی شهرام:** بله

**حمید اشرف:** را منعکس می کرد. و در رابطه با سایر چیزهایی که شنیده می شد، حتی اون جنبه هایی که پذیرش مارکسیسم را در بر داشت، چون به شکل مشخص، در اون یادداشتی که رفیق سعید محسن

**تقی شهرام:** بله

**حمید اشرف:** داره از زندان، رابطه مجاهدین را با مارکسیسم مشخص میکنه

**تقی شهرام:** بله

**حمید اشرف:** و میگو که ما ماتریالیزم تاریخی را قبول داریم، و این ماتریالیسم فلسفیه که ما قبولش نداریم.

**تقی شهرام:** بله

**حمید اشرف:** و این دیگه چیزی بود که از سال ۵۰ هم مطرح بود. یعنی این وجود به اصطلاح، پذیرش بخشی از مارکسیسم در سازمان مجاهدین، یا نشانه های مارکسیستی در سازمان مجاهدین، به صورت این جور

**تقی شهرام:** جریانات، طبیعی بوده

**حمید اشرف:** موضع گیری ها که گاهی وقت ها آها! یک چیز قدیمی بوده. و چیز تازه ای، می خواهم بگم نبوده. و اگر شما این انتظار را داشتید که با توجه به این مواضع اخیر و این ها هم، ما به این کشف نائل می شدیم

**تقی شهرام:** بله

**حمید اشرف:** این زیاد درست نیست. چرا که جریانات مختلفی که می دیدیم و سوابقی که از مسئله داشتیم، چون ما تحلیل مون از مسئله که به خاطر یک دونه دو تا اعلامیه نیست. یک پدیده را گذشته، آینده، حال، تمام یعنی پروسه اش را باید بررسی کرد دیگه. و ما حتی می دیدیم که ما، به نظر ما این که سازمان مجاهدین یک سازمان التقاطیه. خودت در عمل هم همین طور بود. رفقا می گفتند مارکسیست ها را ما عضو می کنیم، چه فرق می کنه، مبارزه ضد امپریالیستیه. مذهبی ها هم بیان مارکسیست ها هم بیان

**تقی شهرام:** من می خوام بگم شما در همون سطح باقی موندید رفیق.

**حمید اشرف:** اها!

**تقی شهرام:** اگر شما یک کوشش آگاهانه ای میکردید، بین معلومه، آدم همیشه میتونه بگه ظواهر کار این طور نشون می داد خوب ما هم اجباراً همینو فهمیدیم. اما شما در همون سطح به اصطلاح سطح باقی می موندید، به علت این که عمل ات در سطح باقی می مونه. یعنی نمی روید پرده را بشکافید. این حرکت به اصطلاح تعرضی را ایجاد نمی کنی، نمی آبی جلو. معلومه که تو ممکنه مشتبه بکنی. این خیلی طبیعیه. مسئله ات این نیستش که چرا مثلاً فرض کن تو مثلاً تو خونه ات نشستنی و مثلاً از چهار مثلاً تا دو تا اعلامیه ما یا فلان نفهمیدی که اصلاً سازمان از هم داره حالا مارکسیست شد یا فلان شد و یا بهمان شد. ما بیشتر اینو داریم میگیم که اون حرکت لازمی را که یک سازمان مارکسیستی باید درقبال یک سازمان

**حمید اشرف:** البته شما، در این سؤال ما را بی جواب می گذارید. که می گید وقتی ما می پرسیم، که ما چه می کردیم؟ شما در جواب می گوئید که شما کاری هم نمی توانستید بکنید.

**تقی شهرام:** نه، خیلی کارها می توانستید بکنید.

**حمید اشرف:** آها! دفعه پیش رفقا طرح می کردند که

**تقی شهرام:** نه کی همچی حرفی زده؟

**حمید اشرف:** ما گفتیم که شما توقع داشتید ما چه بکنیم

**تقی شهرام:** خیلی کارها می توانستید بکنید. ولی نکردید.

**حمید اشرف:** گفتند ما توقع نداشتیم

**تقی شهرام:** نه عزیزم

**جواد قانلی:** ما توقع از اون عمل شما نداشتیم رفیق.

**تقی شهرام:** ببین

**جواد قانلی:** یعنی عمل شما برای ما این

**تقی شهرام:** نه، عجیبه، شما چرا فضا را اون طوری من می ترسم واقعاً این بحث هایی که این جا کردیم، دو مرتبه یک

جای دیگه به جور دیگه تفسیر بشه. بین بابا جان، مطمئناً شما می توانستید تأثیر بگذارید. تأثیرات خیلی شگرفی هم می

توانستید بگذارید. و خیلی در واقع، نیروها را که در یک حالت مثلاً فرض کن، در یک مرحله تعادل قرار داشتند، در یک مرحله،

مثلاً فرض کن که ضعیف بودند، شما تقویت بکنید. ولی عملاً اگر ما می گیم دیگه انتظار نداشتیم، دیده بودیم، دیده بودیم

شما نمی خواهید بکنید، خودتونو کنار می کشید و حتی

**حمید اشرف:** به چه صورت ما کنار می کشیم؟

**تقی شهرام:** یعنی شما حتی جریانها

**حمید اشرف:** کی شما حرکتی کردید و ما کنار کشیدیم؟

**تقی شهرام:** ببین، اگر تو این سؤال را از من بکنی، ممکنه من به جواب هایی بدم. ولی نمی خواهم اون طور جواب بدم.

**حمید اشرف:** والا فکر کنم که جواب نداشته باشی، که نمیدی.

**تقی شهرام:** نه، می دونی چرا؟ برای این که من اگر بخواهم بگم ما می کردیم، در واقع یک چیزی رو این جا نادیده می

گیرم. برای این که اون انتظار، اون دو تا انتظار متفاوتی که باز از یک سازمان مارکسیستی میره، و یک سازمانی که هنوز

هویت ایدئولوژیکش رو معلوم نکرده.

**حمید اشرف:** حالا، کاری نداریم که معلوم کرده

**تقی شهرام:** باشه

**حمید اشرف:** یا نکرده. واقعیت اینه که آن جریان هم فعلاً به شکل پنهان شده ای مارکسیسته به فرض

**تقی شهرام:** بله، درست.

**حمید اشرف:** این جریان چه می کرد؟

**تقی شهرام:** این جریان

**حمید اشرف:** شما که می گوئید شما مارکسیست بودید چه می کردید، شما در این جا دارید یک ظرافت کاری هم به خرج

میدهید.

**تقی شهرام:** خوب، شما بازش کنید، قضیه رو روشن کنیم.

**حمید اشرف:** در عمل می گید ما مارکسیست بودیم و خیلی شدید و غلیظ و این ها

**تقی شهرام:** خوب

**حمید اشرف:** ولیکن اون جایی که میائید موضع ما را مورد تحلیل قرار بدین، میگوید ما خرده بورژوا، درست، شما چرا برخورد

اون طوری کردید؟

**تقی شهرام:** ها

**حمید اشرف:** یعنی در این جا، این شیوه درستی نیستش.

**تقی شهرام:** آخه مسئله

**حمید اشرف:** شما بیائید این مسئله را طرح بکنید که خودتون چی؟ شما که رسیده بودین، شما که داشتین دیگه از آذر

ماه مارکسیست شده بودین. از آذر ماه که دیگه مارکسیست را تکمیل کرده بودید.

**تقی شهرام:** در داخل سازمان.

**حمید اشرف:** در داخل سازمان. حالا که دیگر مواضع تون قرص شده بود. دیگه ۵، ۶ نفر نبودید.

**تقی شهرام:** بله. درسته

**حمید اشرف:** شریف واقفی و این ها هم که رفته بودند کارگری و

**تقی شهرام:** دنبال کار شون.

**حمید اشرف:** و تبعید شده بودن و این ها

**تقی شهرام:** تبعید هم نشده بودند. خوب

**حمید اشرف:** همان چیز تنبیه سازمانی

(صدای خنده تقی شهرام و جواد قاندى)

**جواد قاندى:** تنبیه هم نه، آموزش سازمانی

**حمید اشرف:** آموزش سازمانی

**تقی شهرام:** بله

**حمید اشرف:** اونا که اون طوری شده بودند. یعنی نیرویی نمونه بود در مقابل.

**تقی شهرام:** درسته.

**حمید اشرف:** اون موقع چرا نیومدی بگی؟

**تقی شهرام:** ما می خواستیم اون موقع دیگه، قضیه باید در سطح اجتماع باید طرح می شد.

**حمید اشرف:** حالا زودتر از اجتماع

**تقی شهرام:** حالا گوش کن

**حمید اشرف:** ما مگه نمی تونستیم در سطح اجتماع کمک کنیم به طرح شدن شما؟

**تقی شهرام:** حالا یک مسئله، ببین، اون جلسه که ما نشستیم شما نشستست بودید با همین رفقا، جلسه تابستون، اون

موقع ما اون به اصطلاح چیز هامون را داده بودیم مثلا مقدمه روزیونیسیم و آن چیز ها

**حمید اشرف:** خیر

**تقی شهرام:** هنوز نداده بودند؟

**جواد قاندى:** نه

**تقی شهرام:** ببینید، ما اون جلسه در واقع به من

**بهرروز ارمغانی:** من صحبتی هم در این زمینه داشتم

**تقی شهرام:** بگو

**بهرروز ارمغانی:** چون اشاره کردی به این که اونا را داده بودیم، یا نداده بودیم.

**تقی شهرام:** آها

**بهرروز ارمغانی:** به نظر من این جورى میاد که، برداشت ها این شکلیه که اگر فرض بگیریم یک سازمان التقاطی، چند تا اثر

مارکسیستی داده بیرون

**تقی شهرام:** نه، نه، نه، نه

**بهرروز ارمغانی:** ها می خواستم اینو توضیح مختصری بدم

**تقی شهرام:** می خواستم بگم که این جریان برای شما سنوال میشه؟ می آئید برسید آقا شما چکار دارید می کنید؟

**بهرروز ارمغانی:** اها!

**تقی شهرام:** خوب این کی اند؟ چی اند؟ می دونی؟ ما این رو انتظار را داشتیم. نه این که شما

**بهرروز ارمغانی:** این رو می خواستم تذکر بدم که برداشت من این بوده

**تقی شهرام:** نه، نه، این نبود. حالا من توضیح میدادم، متوجه می شدی. ببین، ما تو اون جلسه، می خواستیم ببینیم که

شما چه جورى برخورد می کنید. یعنی در واقع اون یک زمینه ای بود که ما بینم آیا واقعا زمینه فراهمه؟ یا باز ما حتی جلو تر

مطرح بکنیم؟ تو همون جلسه. که اون رفقا، اون جلسه، بیشتر یک موضعی داشتند، شنوا بودند. یعنی می خواستن بیان

گوش بکنند حرف های شما را. یعنی ببینند واقعا شما چی میگوید. و واقعا چه کمکی ما می تونیم از شما بگیریم. دقت

میکنی؟ با توجه به اون عدم اطمینان هایی که موجود بود. ها.

**جواد قاندى:** حالا یک توضیحی من اینجا بدم

**تقی شهرام:** متوجه هستید چه می خوام بگم؟

**جواد قاندي:** که ما چه موضعی داشتیم. رفیق، ما اسفند ماه بهتون پیشنهاد نشست کردیم. بلافاصله بعد از اون نشست، ارتباط ما به مدت دو ماه و نیم قطع میشه. و بعد برای ما سنوال بود که چرا شما

**تقی شهرام:** اها

**جواد قاندي:** یک کوششی نمی کنید در جهت وصل این ارتباط ها

**تقی شهرام:** و بعد هم

**جواد قاندي:** هی میومدیم علامت می زدیم. هی میومدیم سر قرار. یک مرتبه ما مواجه میشیم تو نشست، با بیانیه رویونیستی ضد توده شما، و اون موضع گیری تون در مقابل ما. این چی را به ما نشان می داد؟

**تقی شهرام:** یعنی شما عملاً سر ما را بیخ طاق می کوبیدید و حاضر نبودید که واقعاً با ما، ما این طور استنباط می کردیم. دیدید! باز هم گذاشتند رفتند! ما بهش میگیم چرا نیومدید؟ اون رفیق، خیلی خوش خیال میگه. خوب اومدیم، مثل این که نشد و یک سری اشکالات بود و انگار مسئله اصلاً مهمی نیست. دو ماه سه ماه اصلاً مهم نیست، زمان اهمیتی نداره، یعنی واقعاً یک چنین ضرورتی برای رفقا مطرح نیست. می دونید؟ یک همچین چیزهایی ما می دیدیم. اون جلسه هم، باز نشست تابستون هم، باز برای این بود که ببینیم باز رفقا یک حرکتی کردند؟ آیا به قول معروف، چراغ سبزی نشون داده میشه؟ نمیشه؟ میدونی؟ این بود. و بعد اون بحث ها که اصلاً، خود رفقا گوش داده بودند دیگه، شما قضیه حزب توده را تبدیلی کرده بودین به یک جریان مثلاً خیلی مهم و گویا براتون هم مثلاً فکر می کردید یعنی واقعا مثلاً ما می خواهیم از زیرش در ریم و یا واقعاً برا مون مطرح است مثلاً ما رویونیسم را مارک کی داره؟ ما آذر ماه دادیم. همون موقع هم منتشر کرده بودیم. خیلی از خارج هم حتی این ها در صد انتشار بودند و بعداً تو مجاهد هم مجدداً چاپ شد. یعنی، اصلاً همون موضع ضد توده ای ما تو اون موجوده، اصلاً علناً ما اون جا ذکر کردیم. ولی خوب، شما ترجیح داده بودید که مثلاً به شکل یک جانبه ای مثلاً ما را بکوید، بگین که آره مثلاً ممکنه شما احیاناً

**حمید اشرف:** نه ما در این مورد

**تقی شهرام:** مثلاً، یک گرایشاتی بوده

**حمید اشرف:** یک چیز

**تقی شهرام:** فلانی بوده

**حمید اشرف:** ما می خواستیم

**تقی شهرام:** یک چنین چیز هائی که بچه ها گوش داده بودند این جریان

**حمید اشرف:** اون واسه ما هم چیز بود واسه ما این ها واقعاً مسئله ای بود.

**تقی شهرام:** در حالی که ما واقعا

**حمید اشرف:** در اون رابطه وقتی حزب توده پیام داد

**تقی شهرام:** بله. ما واقعاً میدونی که چرا نمی خواستیم پیام بدیم؟ ما خیلی رک، اون جلسه هم شما این را پرسیدید. ما می خواستیم موضع ایدئولوژیک مون را هرچه زودتر اعلام کنیم، از آن موضع، موضع بگیریم. نمی خواستیم از یک موضع مذهبی باهاس مقابله کنیم. آخه چرا شما این ها را متوجه نمی شید این قضایا را؟

**بهرروز ارمغانی:** چرا ما متوجه می (نامفهوم...) یک سنوال دارم. ها

**تقی شهرام:** بفرما.

**بهرروز ارمغانی:** تو چیزهایی را مطرح می کنی، و میگی ما به این دلیل که نمی خواستیم قبل از اعلام بیانیه تغییر مواضع ایدئولوژیک این پیام را بررسی بکنیم،

**تقی شهرام:** بله

**بهرروز ارمغانی:** این کار را نمی کردیم.

**تقی شهرام:** بله

**بهرروز ارمغانی:** ما اون بار هم سنوال کردیم که رفقا، اون بحث درون سازمانی به کجا کشید؟ حداقل یک اشاره کوتاهی، یک چیزی که

**تقی شهرام:** ببین

**بهرروز ارمغانی:** برخی از این ها مواردی هستند که

**تقی شهرام:** آخه این ها را ما فکر می کردیم کردیم، والا به خدا، به پیر، به پیغمبر

**بهرروز ارمغانی:** اها. من این جا می خواستم اون توضیح را بدم ها، ببینید آن توضیح من که می خواستم بدم که گفتم من متوجه هستم من این جا یک توضیحی می خواستم بدم

**تقی شهرام:** بگو

**بهرروز ارمغانی:** شما به عنوان یک مارکسیست باید بپذیرید این مسئله را که فلسفه التقاطی، از مارکسیسم، به عنوان یک منبع تغذیه می تونه استفاده کنه.

**تقی شهرام:** بله

**بهرروز ارمغانی:** هم چنان که خرده بورژوازی و بورژوازی ملی هم از نیروهای پرولتری

**تقی شهرام:** بله

**بهرروز ارمغانی:** برای رسیدن به اهداف خودش استفاده میکنه.

**تقی شهرام:** بله

**بهرروز ارمغانی:** مگر غیر از اینه؟

**تقی شهرام:** درسته.

**بهرروز ارمغانی:** در همین رابطه، از به اصطلاح فلسفه پرولتاریا هم می تونه بهره گیری کنه

**تقی شهرام:** درسته

**بهرروز ارمغانی:** به نفع منافع طبقاتی خودش.

**تقی شهرام:** بسیار خوب

**بهرروز ارمغانی:** پس در اون رابطه، من می خواستم اینو بگم، شما می گید بایستی میتونستید، یا الان هم باز تأکید می کنی. که حتی چرا برایت تعجب آورده که من الان الانش هم حتی نمی فهمم. تعجب تو، به نظر من این از اینجا ناشی می شد که، من این تحلیل را می کردم. فرض بگیر

**تقی شهرام:** آخه التقاط را ساکن می گرفتی. آخه علتش اینه

**بهرروز ارمغانی:** نه رفیق. التقاط ساکن نیست، خود به خود التقاط متحرکه.

**تقی شهرام:** التقاط اتفاقاً خیلی تحرک داره.

**بهرروز ارمغانی:** متحرکه. کی متحرکه. ببینید، در شرایط به اصطلاح در (نامفهوم...) مناسبات تولید باید بررسی کرد

**تقی شهرام:** آخه

**بهرروز ارمغانی:** نه در بیان ها و آگاهی هایی که

**تقی شهرام:** آخه، مناسبات تولید، عزیزم، تو تفسیرت باید اصلاً از اجتماع باشه، از حرف های ما نه. بگو آقا الان بورژوازی داره رشد می کنه، پول نفت سرازیر شده، اجباراً به دلایل متفاوت، داره پرولتاریا متشکل میشه، داره مبارزه اش فلان میشه

**بهرروز ارمغانی:** خوب خود به خود

**تقی شهرام:** بورژوازی متمرکز میشه

**بهرروز ارمغانی:** خود به خود

**تقی شهرام:** این ها برای این که بخواهند با این بورژوازی مبارزه بکنند، اجباراً باید با سلاح های در واقع، پرولتاریا هر چه بیشتر مجهز بشن، و الا به سازشکاری می افتند.

**بهرروز ارمغانی:** هر چه بیشتر یا

**تقی شهرام:** نه آخه سمت مهمه

**بهرروز ارمغانی:** هرچه بیشتر، با تغییر کیفی متفاوته

**تقی شهرام:** آخه طبقات الان به هم خوردن. تو این تحلیل را از این جا بکن که جامعه در واقع با رشد بورژوازی اساساً دچار یک دگرگونی شده. یعنی الان دگرذیسی طبقاتی در جامعه ما در شرف تکمیل، داره به نتایجش می رسه. این ها مهمه. شما از این جا ببین.

**بهرروز ارمغانی:** داره صف بندی ها دقیق تر میشه.

**تقی شهرام:** آفرین. تو از این جا ببین.

**بهرروز ارمغانی:** آها

**تقی شهرام:** بگو که، یعنی این تحلیل را بکن، سال 52، 53، بگو آقا، این مجاهدین باید در عرض یکی دو سال آینده، دقیقاً صف بندی شون مشخص بشه. یعنی این تحلیل اجتماعی را بکن که این سازمان، با این ایدئولوژی، با این وضعیت، با این

ظواهری که ما داریم می بینیم و تمام انعکاساتش، این باید متلاشی بشه. این باید چی بشه؟ پولاریزه بشه. این باید صف بندی ها شو دقیقاً مشخص کنه. نه دیگه خرده بورژوازی می تونه این موضع رو تحمل کنه، نه پرولتاریا، نه نیروهای انقلابی، نه نیروهای نمی دونم بینابینی. یعنی تو حتی از اون جا به مسئله برس. آخه اینو ببینید

**بهرروز ارمغانی:** آخه همین

**تقی شهرام:** تحول اجتماعی داره دقیقاً فشار می آره.

**بهرروز ارمغانی:** همین نو می خواستم بگم

**تقی شهرام:** خوب بگو

**بهرروز ارمغانی:** که در همین رابطه یک همچین سازمان التقاطی می تونه گرایش های به چپ بیشتری داشته باشه.

**تقی شهرام:** آخه بیشتر به چپ، چی اون وقت؟ بعد خرده بورژوازی اون وقت چوب دو سر طلا نمیشه؟

**بهرروز ارمغانی:** مگه نیست

**تقی شهرام:** هم اینو رو از دست بده، هم اونو رو؟ آخه نمیشه، وقتی طبقات در واقع، دارند دگرذیسی پیدا می کنند، دارند

در حال تکوین اند، در حال ایجاداند، در حال رشداند، اصلاً وضعیت شون با مثلاً سال 40 یا سال 42، 43

**حمید اشرف:** جواب شما را بدم؟

**تقی شهرام:** بگو

**حمید اشرف:** خرده بورژوازی می تونه بطور متناسب نیروی خودشو تقسیم کنه این بار

**تقی شهرام:** یعنی چه

**حمید اشرف:** چون خرده بورژوازی خصلتاً از نظر ایدئولوژیک، یک موضع منضبط و به اصطلاح یک جهته نداره. به خاطر این که

خودش از نظر اقتصادی ضعیف است، به خاطر این که به اصطلاح، منافعش میان دو طبقه قرار گرفته،

**بهرروز ارمغانی:** یا چوب دو سر طلا

**حمید اشرف:** بین دو طبقه نوسان داره.

**تقی شهرام:** بسیار خوب

**حمید اشرف:** و این نوسانش، دقیقاً تناسب داره بین نیروها.

**تقی شهرام:** بسیار خوب

**حمید اشرف:** یعنی وقتی که نیروهای پرولتری قوی میشن، این هم میل یک مقدار بیشتر، متناسب با قوی شدن اون ها،

یعنی اصلاً خصلتش اینه، متناسب با قوی تر شدن اون ها، به اون سمت میل میکنه.

**تقی شهرام:** خوب

**حمید اشرف:** ضعیف شدند، متناسب با ضعیف شدن آن ها به این یکی سمت میل میکنه.

**تقی شهرام:** بسیار خوب

**حمید اشرف:** یعنی چی، یعنی این که که تمایل به مارکسیسم، یعنی حتی (نامفهوم...) واقعیت های طبقاتی، رشد

شرایط عینی تغییراتی که در شرایط عینی رخ می ده، به یکباره خرده بورژوازی را از این موضع

**تقی شهرام:** ولی ما رفیق عزیز

**حمید اشرف:** به آن موضع چیز نمی کنه

**تقی شهرام:** بحث مون سر طبقه خرده بورژوازی نبود، سر به سازمان التقاطی بود. یعنی یک سری از عناصر

**حمید اشرف:** سازمان التقاطی بطور مشخص

**تقی شهرام:** آها

**حمید اشرف:** سازمان خرده بورژوازیه.

**تقی شهرام:** این پولاریزه میشه. پولاریزه میشه الان بین، بعد به قول معروف، فاکت مشخص، ما با این گروه های مذهبی

تماس داریم. باور کنید، از 15 نفرشون، دائماً یک عده شون مارکسیست میشن، یک عده شون دگماتیست تر می رن، به

قول معروف، اینا را می کشونن به اون سمت. یعنی دقیقاً در حال پولاریزه یعنی پولاریزه را، عین مثلاً یک نمونه آزمایشگاهی

می بینی، اصلاً قشنگ داری توو شون می بینی. مثلاً روز اول فرض کن 15 تا عضوند، مثلاً به گرایشاتی دارن، مثلاً یکیشون

یک خرده خیلی دگمه، یکی گرایش به مارکسیسم داره. یکی جریان ما را تأیید میکنه، یکی میگه نه، باید حتماً ضدش بیانیه

بدیم. این جریان همین طوری در درون شون می جوشه، بعد مثلاً باور کن در عرض 4 ماه ما داریم می بینیم. یک هو 3 تاشون

از توشون مارکسیست در آمدند، به ما پیوستند. مارکسیست شدن، ول کردند، نفی کردند، اومدن. مثال ها! یعنی این طور

شده، یعنی این قدر فضای عینی، برای کسی که دستش تو آب و آتیشه و می بیند قضا یا را، اصلاً در واقع مشاهده می کنه، یک جریان حتی تبدیل به یک جریان ذهنی دیگه نیست، تحلیل تئوریک رو کاغذ نیست. شما عملاً دارید می بینید این دگرپرسی را، این غلیانی که در جامعه موجود هست. اون وقت یک سازمان که تو این غلیان هم چنان همون یک سازمان می مونه؟ نه! لاقلاً شما باید بگید این باید بشکافه، این اصلاً موقع اش رسیده که لاقلاً هسته اش از اون پوسته جدا بشه، یا پولاریزه بشه، هر مسئله ای، خوب حالا پس ما وظیفه مون چیه؟ این، اون چیزیه که ما می گفتیم شما باید نسبت بهش موضع مارکسیستی می گرفتید. این حرف ماست.

**حمید اشرف:** خوب شما این پلورالیسیون رو مطلق اش می کنید.

**تقی شهرام:** نه

**حمید اشرف:** شما فکر می کنید این پلورالیسیون در حقیقت، یک جریان خیلی یعنی خیلی شسته و رفته و کامل

**تقی شهرام:** نه. نه

**حمید اشرف:** در نظرش می گیرید.

**تقی شهرام:** نه. معلومه

**حمید اشرف:** در حالی که، حتی همون نیروهایی هم که میان مارکسیست میشن و به اصطلاح مرعوب میشن به نظر من

**تقی شهرام:** اون ها بله

**حمید اشرف:** الان یک حدی این ها میان مارکسیست میشن

**تقی شهرام:** بله

**حمید اشرف:** این هستش که فعلاً سازمان متشکل خود شونو ندارند. و کماکان از

**تقی شهرام:** خوب اون سازمان متشکل، اون تناقض توشه، اگر التقاطی باشه.

**حمید اشرف:** مسئله این هستش که اون ها دیگه ضرورت هم نداره خیلی التقاطی باشن.

**تقی شهرام:** خوب پس دیگه، آها! پس حالا این رسیدیم به همین قضیه، که میاد مرزبندی ها مشخص میشه. همین حرف رفیق، یعنی یه سازمان هایی میرن دقیقاً منعکس کننده قشرهای، همون قشرهای در واقع تثبیت شده خرده بورژوازی هستند. این ها دیگه محاله به این سادگی ها یک دو ه مارکسیست هم از توشون بیاد بیرون. اینا میرن موضع شون تعیین می کنند. اینا در واقع خط و مرز شونم هم با مارکسیسم خیلی مشخص و عمیق و فاصله شون هم خیلی معین و اصلاً حرف هم توش نداره. نمونه اش این اعلامیه مهدویون را بیاریم بذاریم جلومون، اصلاً خیلی جالبه. اون طرف چی؟ اون ور هم اجباراً نیروهایی که نوسان می کردند، تمایل به این طرف داشتند، باید، مجبورند به این سمت بیان. بله، مسلماً این ها دارای ضعف هایی هستند، نواقصی هستند، باید باهاشون برخورد کرد. همون طور که شما هر عنصری که مارکسیست میشه تو جامعه، اون هم مارکسیست واقعی نیست، باید بیاد ساخته بشه. و خیلی جریانات دیگه. این پروسه را باید این طوری باهاش برخورد کنید. شما می گید که مثلاً سازمان خودشونو ندارند. ولی اون سازمانی که دارند اون وقت دیگه سازمان ما نخواهد بود، شکل سازمان ما نخواهد بود. اون سازمانی که اونا الان دارند، همان سازمان شکل فدائیان اسلام به وجود خواهد آمد. یعنی این تپیی به وجود خواهند آمد. مذهبی های آینده ای که می تونن به کار ادامه بدن و سازماناشون این شکل خواهند بود. و اینو ما عملاً داریم می بینیم نطفه هاشو. طرف اصلاً معتقد نیست به این که مثلاً فرض کنیم که مارکسیست مثلاً یک چیزی هم هست، اصلاً گویا یک چیزی هست اصلاً، به هیچ وجه.

**چریکهای فدائی خلق ایران**

[www.siahkal.com](http://www.siahkal.com)

[www.ashrafdeghani.com](http://www.ashrafdeghani.com)

**e-mail: ipfg@hotmail.com**